

رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و اختلالات رفتاری در دانش‌آموزان مقطع دوم و سوم دبیرستان (مورد مطالعه: مدارس کار دانش شهر بیرجند)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۷

سوده مقصودی^۱

سعیده درویشی^۲

مریم امیرآبادی^۳

چکیده

شیوه‌های فرزندپروری، روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند. در این پژوهش سعی بر آن شده است که رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و اختلالات رفتاری در نوجوانان مورد بررسی قرار گیرد. این تحقیق به روش پیمایشی از نوع توصیفی-تبیینی و همبستگی انجام شده است. بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، ۲۵۰ دانش‌آموز مدارس دخترانه و پسرانه کار دانش شهرستان بیرجند انتخاب شدند و به پرسش‌نامه شیوه فرزندپروری بامریند (۱۹۷۲) و اختلالات رفتاری راتر (۱۹۶۷) پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون همزمان استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون برای اختلال رفتاری کلی نشان داد شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده است و متغیرهای شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه، سن پدر، شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه، تحصیلات مادر، جنسیت دانش‌آموز و سن مادر به ترتیب در مراحل بعدی قرار می‌گیرند و حدود ۱۶ درصد از واریانس متغیر ملاک را تبیین نموده‌اند. بنابراین بین شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه با متغیرهای اضطراب، ناسازگاری اجتماعی و رفتار ضد اجتماعی رابطه‌ی مسقیم، بین شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه با

۱. استادیار علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه شهید باهنر کرمان، نویسنده مسؤول
darvishi.bs@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه شهید باهنر کرمان

متغیرهای اضطراب، ناسازگاری اجتماعی و رفتار ضد اجتماعی و هم‌چنین بین شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و رفتار ضد اجتماعی رابطه‌ی معکوس وجود دارد. واژگان کلیدی: فرزندپروری، اختلالات رفتاری، نوجوانان، دانش‌آموزان دبیرستان

بیان مسأله

اختلالات رفتاری نوجوانان، اختلالات شایع و ناتوان‌کننده‌ای هستند که برای معلمان، خانواده و خود نوجوانان مشکلات بسیاری را ایجاد می‌کنند و با نرخ‌های بالایی از معضلات اجتماعی همراهند (مسعودی، ۱۳۹۰: ۳).

شیوه‌های فرزندپروری، روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به‌کار می‌گیرند و بیانگر نگرش‌هایی است که آن‌ها نسبت به فرزندان خود دارند و هم‌چنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند (بی‌نا، ۱۳۹۱: ۷). زمانی که فرزند پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارد، والدین بیشترین سعی و تلاش خود را به‌کار می‌برند تا بهترین و عالی‌ترین امکانات را برای رشد همه‌جانبه‌ی فرزند فراهم کنند. بیشتر والدین مایلند فرزندان سالم، شاداب و نیرومند داشته باشند. با وجود این، بسیاری از فرزندان در طول فرایند رشد خود خصوصیات نامطلوب تربیتی را به‌تدریج کسب می‌کنند و از داشتن اعتماد به نفس و احساس امنیت دور می‌مانند و دچار مشکلات رفتاری می‌شوند (کلانتری، مولوی و توسلی، ۱۳۸۴: ۶۰، نقل از نلسون و ایزرائیل، ۱۳۷۵: ۳۲۰).

سبک‌های فرزندپروری "ترکیب‌هایی از رفتارهای والدین است که در موقعیت‌های گسترده‌ای روی می‌دهند و جو فرزندپروری بادوامی را پدید می‌آورند" (شهامت، ثابتی و رضوانی، ۱۳۸۹: ۲۴۱، نقل از برک لورا، ۱۳۸۷: ۴۸۰). بامریند^۱ در مطالعات خود سه ویژگی را آشکار می‌سازد که روش مؤثر را از روش‌های نه‌چندان مؤثر فرزندپروری جدا می‌سازد، این سه ویژگی عبارتند از: (۱) پذیرش و روابط نزدیک، (۲) کنترل و (۳) استقلال دادن. از تعامل این سه ویژگی، سه سبک فرزندپروری مشخص می‌شود: مقتدرانه،

مستبدانه و سهل‌گیرانه. سبک مقتدرانه با پذیرش و روابط نزدیک، روش‌های کنترل سازگاران و استقلال دادن مناسب مشخص می‌شود. سبک مستبدانه از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین، از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر استقلال دادن پایین است. والدین با سبک فرزندپروری آسان‌گیرانه روشی مهرورز و پذیرا را نشان داده، متوقع نیستند و کنترل کمی بر فرزندان خود اعمال می‌کنند. این والدین به فرزندان خود اجازه می‌دهند در هر سنی که باشند خودشان تصمیم‌گیری کنند حتی اگر هنوز قادر به انجام این کار نباشند (Diaz, 2005: 3؛ نقل در شهامت، ثابتی و رضوانی، ۱۳۸۹: ۲۴۱).

به طور مثال بامریند (۱۹۶۷-۱۹۷۳) رابطه‌ی بین سبک‌های فرزندپروری و خوداتکائی کودکان را مورد بررسی قرار داد و والدین را به سه دسته تقسیم کرد:

۱. والدین مستبد که بر اطاعت، همنوایی و احترام به مرجع قدرت تأکید دارند و حمایت و محبت خیلی کمی از خود نشان می‌دهند.
۲. والدین سهل‌گیر که از کودکان خود توقعات بسیار پایینی دارند، با رفتارهای بد کودکان مقابله نمی‌کنند، قواعد و مقرراتی را بر رفتار کودکان اعمال نمی‌کنند و عموماً گرم و پذیرا هستند.
۳. والدین مقتدر که بر اساس قواعد و مقررات بر رفتارهای کودکان نظارت می‌کنند، رفتارهای بد فرزندان را اصلاح می‌نمایند، تشویق‌کننده فردیت و روابط باز متقابل هستند و رفتارهای گرم و حمایت‌گرانه دارند.

تحقیقات بامریند (۱۹۹۱) نشان داد که از میان این سه سبک فرزندپروری، سبک مقتدرانه نتیجه‌بخش‌ترین است. کودکان این خانواده‌ها، مستقل، قاطع و دوستانه هستند. از حرمت خودبالایی برخوردارند، با والدین خود همکاری می‌کنند و در مقیاس‌های مربوط به پیشرفت تحصیلی نمرات بالایی می‌گیرند. برعکس، فرزندان خانواده‌های سهل‌گیر از مهارت‌های خوداتکایی و خودکفایی برخوردار نبوده و پذیرای مسئولیت نیستند. هم‌چنین فرزندان خانواده‌های مستبد، کودکانی گوشه‌گیر، ترسو و فاقد حس استقلال هستند. کم‌جرات و بدگمان‌اند و نیز از مهارت‌های اجتماعی پایین و سطح بالایی از افسردگی و اضطراب برخوردارند (آجیل چی و ذوقی، ۱۳۸۸: ۸۱-۸۲).

لامبورن^۱ (۱۹۹۱) بر اساس الگوی بامریند، به بررسی این رابطه در سنین نوجوانی اقدام کرده و خانواده‌های ۴۱۰۰ نوجوان را بر اساس دو بعد نظارت/ سخت‌گیری و پذیرش/ دخالت، به چهار گروه مقتدر، مستبد، اغماض‌گر و سهل‌گیر تقسیم کرده است. خانواده‌های مقتدر در هر دو بعد نظارت و پذیرش، نمره بالایی دریافت کردند اما والدین سهل‌گیر در هر دو بعد نمره پایین گرفتند و پذیرای مسئولیت خود به‌عنوان پدر و مادر نیستند. خانواده‌های اغماض‌گر از لحاظ نظارت در سطح پایین، اما به لحاظ پذیرش در سطح بالا هستند. خانواده‌های مستبد نیز بر عکس خانواده‌های اغماض‌گر عمل می‌کنند. این محققان به این نتیجه رسیدند که فرزندان والدین مقتدر از لحاظ شایستگی روانی، نمره بالا می‌گیرند و دارای مشکلات روانی و رفتاری کمتری هستند. نتایج فرزندان خانواده‌های سهل‌گیر برعکس بود. نوجوانان والدین مستبد در مقیاس اطاعت و هم‌رنگی با بزرگسالان، نمرات بالایی را کسب می‌کنند، اما نسبت به سایر گروه‌ها از خودپنداشت ضعیف‌تری برخوردارند. نوجوانان خانواده‌های اغماض‌گر دارای احساس اطمینان به خود بالایی هستند، اما فراوانی مصرف مواد مخدر و رفتارهای مخرب تحصیلی در این گروه بیشتر از سایر گروه‌هاست (Lamborn, 1991: 45). نقل در آجیل چی و ذوقی، ۱۳۸۸: ۸۴).

ویلیام گود^۲ با استعانت از نظریه آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به‌عنوان مهم‌ترین پایگاه اجتماعی‌کننده ساختار خانواده، سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه نابسامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزهکار و کجرو دخیل می‌داند. گود معتقد است "خانواده" کانون و هسته‌ی اصلی تشکل اجتماعی به‌عنوان یک نظام کوچک اجتماعی است که زیربنای جامعه‌ی بزرگتری را فراهم می‌کند. هنجارها و ارزش‌های حاکم بر تک تک افراد آن تأثیر قطعی دارند. شناخت سازمان و انگاره‌های خانواده می‌تواند به‌عنوان کلیدی برای شناخت رفتارهای فرد پرورش یافته در آن تلقی گردد، زیرا بدون تردید خانواده مهم‌ترین عامل پیدایش و تشکیل شخصیت فرد

1. Lamborn

2. William Good

محسوب می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۸). به نظر گود، هنگامی که یک یا چند تن از اعضای خانواده نتوانند وظایف و نقش خود را به‌طور متناسب و شایسته‌ای انجام دهند، گسیختگی خانوادگی به‌وجود می‌آید (همان: ۶۹).

گود (بی تا) در کتاب معروف خود تحت عنوان *جامعه و خانواده*، ضمن اشاره به اهمیت وظایف و کارکردهای خانواده به شرایط و عواملی که منجر به گسیختگی و بی‌سازمانی و تشدید شرایط آنومیک^۱ در خانواده می‌گردد اشاره می‌کند. به نظر گود، خانواده نقش مهمی را در تأمین نیازهای جسمی، روانی، عاطفی و اجتماعی فرزندان و اعضای خانواده خود ایفا می‌کند. به‌علاوه خانواده به جریان شناخت خود، کشف خویشتن و هویت‌یابی فرد کمک می‌نماید. این نهاد هم‌چنین نقش عمده‌ای را در یادگیری، تربیت و آموزش اعضاء به‌عهده دارد و بالاخره خانواده منبع رشد و شکوفایی استعدادهای فرزندان و اعضای خود به‌شمار می‌آید (مسعودی، ۱۳۹۰: ۴۰).

پژوهشگران نشان داده‌اند که در بین عوامل مختلف شکل‌گیری شخصیت، شیوه‌های فرزندپروری، از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عوامل محسوب می‌شوند (نوابی نژاد، ۱۳۷۲: ۵۰؛ نقل در کلانتری، مولوی و توسلی، ۱۳۸۴: ۶۱). از سوی دیگر، اهمیت دوران نوجوانی، مورد تأکید و توجه بسیاری از نظریه‌پردازان و روانشناسان واقع شده است. تحقیقات انجام شده در داخل و خارج از کشور، نشان می‌دهند که چگونگی رفتار والدین با فرزندان، در شکل‌گیری نظام رفتاری آنان و بروز مشکلات رفتاری آن‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کند. دامنه‌ی شیوع اختلالات رفتاری در دانش‌آموزان چینی از طریق گزارش معلمان و والدین به ترتیب ۱۹/۲ و ۲۳/۱ درصد برآورد شده است. در ایران میزان شیوع اختلالات رفتاری در اصفهان، تهران، ایلام و گرگان به ترتیب ۱۳/۲، ۱۰/۵، ۱۰/۲ و ۲۱ درصد گزارش شده است. این میزان در پسران بیشتر از دختران، در مناطق شهری بیش از روستایی و در پایهی سوم ابتدایی بیش از سایر پایه‌ها گزارش شده است (حنیفی واحد و طالع پسند، ۱۳۹۲: ۸۰۴). در ایالات متحده آمریکا شیوع اختلالات رفتاری در بین دانش‌آموزان سنین مدرسه ۸/۶ درصد گزارش شده است، به‌طوری که

ایگلاند و هانسن^۱ شیوع اختلالات رفتاری در بین دانش‌آموزان سنین مدرسه دانمارک را ۱۰ درصد گزارش کردند. هم‌چنین این تحقیق نشان داد که شیوع اختلالات رفتاری در بین پسران بیشتر از دختران و در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی است. علاوه بر این، نتایج تحقیق بیانگر این بود که شیوع اختلالات رفتاری در بین دانش‌آموزان معلمان تازه‌کار، بیشتر از معلمان باتجربه است (مسعودی، ۱۳۹۰: ۴).

نیکاپوتا^۲ با بررسی میزان شیوع اختلالات رفتاری در کودکان کشورهای اتیوپی، سودان و هند نشان داد که میزان شیوع اختلالات رفتاری این کودکان بین ۳ تا ۱۱ درصد است. کیل و پرایس^۳ نیز نشان دادند که تقریباً ۵۰ درصد کودکان و نوجوانانی که در کانون‌ها و مراکز تحت حمایت نگهداری می‌شوند، دارای اختلالات رفتاری آشکار می‌شوند (همانجا). هم‌چنین در پژوهشی که توسط خزاعی و همکاران در بیرجند صورت گرفت، نشان داد که ۳۲ درصد از کودکان مراجعه‌کننده به پایگاه‌های سنجش تحصیلی دارای اختلال‌های رفتاری بودند (خزاعی و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۹).

در پژوهشی که در استان بوشهر انجام شد، نتایج نشان داد که ۱۶/۸۴٪ دانش‌آموزان دوره ابتدایی این استان دارای اختلالات رفتاری می‌باشند. در این پژوهش مشخص گردید که میزان شیوع در پسران بیشتر از دختران و در دانش‌آموزان شهری بیشتر از دانش‌آموزان روستایی است. پژوهشی در اصفهان نیز نشان داد که ۱۳/۲٪ دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی دارای معیارهای تشخیصی اختلالات رفتاری می‌باشند (مسعودی، ۱۳۹۰: ۴). این در حالی است که در زمینه‌ی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین بر اختلالات رفتاری، پژوهشی در شهرستان بیرجند انجام نشده است، بنابراین پژوهش حاضر به بررسی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین بر اختلالات رفتاری نوجوانان می‌پردازد. مطالعه حاضر با توجه به هدف کلی تحقیق که بررسی رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزندپروری والدین (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه) و اختلالات رفتاری در دانش‌آموزان مقطع دوم و سوم مدارس کاردانش می‌باشد، به دنبال بررسی این فرضیات است:

1. Eagland & Hansen
2. Nikapota
3. Kiel & Price

۱. به نظر می‌رسد بین شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه و اختلالات رفتاری (پرخاشگری، اضطراب، ناسازگاری اجتماعی، رفتارهای ضد اجتماعی و اختلال کمبود توجه) دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه و اختلالات رفتاری (پرخاشگری، اضطراب، ناسازگاری اجتماعی، رفتارهای ضد اجتماعی و اختلال کمبود توجه) دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه و اختلالات رفتاری (پرخاشگری، اضطراب، ناسازگاری اجتماعی، رفتارهای ضد اجتماعی و اختلال کمبود توجه) دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد بین سن پدر، سن مادر، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، میزان درآمد خانواده، شغل پدر و شغل مادر و میزان اختلالات رفتاری دانش‌آموزان به‌طور کلی رابطه وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد بین جنسیت دانش‌آموز و میزان اختلالات رفتاری دانش‌آموزان به‌طور کلی رابطه وجود دارد.
۶. به نظر می‌رسد بین شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه با اختلالات رفتاری به‌طور کلی رابطه وجود دارد.

پیشینه پژوهش

خانجانی و محمودزاده (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان "مقایسه‌ی شیوه‌های فرزندپروری و اختلالات رفتاری کودکان مادران شاغل و غیرشاغل" به این نتیجه دست یافتند که کودکان مادران شاغل و غیرشاغل از نظر مشکلات رفتاری تفاوت معناداری با هم نداشتند. مادران خانه‌دار به‌طور معناداری شیوه‌ی تربیتی مقتدرانه‌تری از مادران شاغل داشتند. ولی در شیوه‌ی فرزندپروری آزادگذاری و استبدادی تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد.

صادق خانی، علی اکبری دهکردی و کاکوجویباری (۱۳۹۱) به مقایسه‌ی شیوه‌های

فرزندپروری مادران دانش‌آموزان پسر ۷ تا ۹ سال دوره‌ی ابتدایی با اختلال لجبازی- نافرمانی و عادی در شهرستان ایلام پرداختند. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن بود که بین شیوه‌های فرزندپروری مادران گروه‌های پژوهش در الگوهای تربیتی مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه در سطح ($p < .05$) تفاوت معنی‌دار وجود دارد. مادران کودکان با اختلال لجبازی- نافرمانی نسبت به مادران کودکان عادی بیشتر از شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه و کمتر از شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه استفاده می‌کنند.

آهنگرانزایی، شریفی درآمدی و فرج‌زاده (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر" نشان می‌دهد بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و پرخاشگری کلامی، خصومت، خشم و پرخاشگری فیزیکی رابطه وجود نداشت. رابطه بین سبک فرزندپروری دموکراتیک^۱ با پرخاشگری و پرخاشگری کلامی مستقیم و هم‌چنین با پرخاشگری فیزیکی و خصومت خشم، معکوس بود.

آجیل‌چی و ذوقی (۱۳۸۸)، در پژوهشی که به بررسی مقایسه‌ای شیوه‌های فرزندپروری در مادران خانه‌دار با مادران شاغل در دانشکده‌ی علوم انتظامی ناجا پرداختند، نشان دادند که تفاوت معنی‌داری بین شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیر و مقتدرانه بین مادران خانه‌دار و مادران شاغل در ناجا وجود دارد؛ بدین ترتیب که مادران خانه‌دار بیشتر از شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند، در حالی که مادران شاغل در ناجا بیشتر از شیوه فرزندپروری مقتدرانه پیروی می‌کنند. در این تحقیق، تفاوت معنی‌داری بین پیروی از شیوه فرزندپروری مستبدانه بین دو گروه مشاهده نگردید.

رایت و دیگران (Wright & et al., 2009: 63) نشان دادند که سبک والدینی بر طریقه‌ی شکل‌گیری طرحواره‌ها اثر دارد و این طرحواره‌ها در آسیب‌شناسی روانی بعدی افراد اثر دارد. ارگیز و رس (Argys & Ress, 2004: 217) در تحقیقات خود نشان دادند که سبک‌های فرزندپروری در کاهش رفتارهای پر خطر نوجوانان مؤثر است، هم‌چنین نتایج تحقیقات بیانگر این است که والدینی که وقت بیشتری را صرف فرزندپروری منطقی با فرزندانشان می‌کنند، پرخاشگری و خشونت و رفتارهای پر خطر و نامناسب در خانواده‌های

آن‌ها کمتر به چشم می‌خورد.

روش‌شناسی

این تحقیق به روش پیمایش و از نوع توصیفی-تبیینی و همبستگی انجام گرفته است. ابتدا منابع موجود در زمینه‌ی پژوهش به روش اسنادی و بررسی ادبیات موضوع جمع‌آوری شده و چارچوب نظری تحقیق تهیه گردیده است. سپس متغیرها و شاخص‌ها بر اساس چارچوب نظری تبیین و اطلاعات مورد نیاز به‌وسیله‌ی پرسش‌نامه جمع‌آوری شده‌اند. در مرحله‌ی بعد اطلاعات موجود با استفاده از نرم افزار SPSS و با توجه به سطح سنجش در دو سطح توصیف و تحلیل پردازش گردیده است. در این پژوهش برای بررسی میزان ارتباط بین دو متغیر از آزمون‌های پیرسون، اسپیرمن، تی تست و آنووا استفاده شده است. پرسش‌نامه و مصاحبه دو روش به‌کار گرفته شده در این پژوهش می‌باشند.

جامعه‌ی آماری پژوهش کل دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس کاردانش شهر بیرجند می‌باشد. بر اساس آمار به‌دست آمده کل دانش‌آموزان دختر و پسر ۷۲۰ نفر می‌باشد. حجم نمونه‌ی این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شده است. بر این اساس، حجم نمونه‌ی این تحقیق ۲۵۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر شهر بیرجند می‌باشد که پرسش‌نامه به تعداد مساوی بین والدین دانش‌آموزان دختر و پسر پر شده است و تکمیل پرسش‌نامه‌ها توسط یکی از والدین این دانش‌آموزان انجام گرفته است.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

N = حجم نمونه p = ۰/۵ احتمال وجود صفت q = ۰/۵ احتمال عدم وجود صفت
Z = ۱/۹۶ درجه اطمینان d = ۰/۰۵ احتمال خطا

در پژوهش حاضر به منظور انتخاب نمونه آماری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده گردید. به این طریق که ابتدا از بین فهرست کلیه دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه شهر بیرجند چند آموزشگاه به‌صورت تصادفی انتخاب، سپس از هر

آموزشگاه و در مقطع دوم و سوم از تمام رشته‌های تحصیلی موجود، تعدادی از دانش-آموزان به‌روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب گردیدند.

منظور از اعتبار آن است که وسیله‌ی اندازه‌گیری بتواند خصیصه مورد نظر را واقعاً اندازه بگیرد نه صفت دیگری را (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۱۴۴-۱۴۸).

در محاسبه اعتبار تحقیق سؤال اصلی این است که آیا شاخص‌ها واقعاً آن‌چه را که می‌خواهیم اندازه بگیریم، اندازه می‌گیرند (طالقانی، ۱۳۸۰: ۵۷).

بنابراین اعتبار شیوه‌ی انتخابی به نزدیکی و انطباق آن با واقعیت بستگی دارد. کاپلوا اعتبار شیوه را توانایی آن شیوه برای اندازه‌گیری متغیر مورد نظر می‌داند (طالب، ۱۳۶۹: ۹۶). در این پژوهش از اعتبار صوری (استفاده از نظرات و تجربیات اساتید دانشگاه، کارشناسان و ...) استفاده شده است.

منظور از قابلیت علمی حصول نتایج مشابه در تکرار اعمال قبلی است. بنابراین می‌توان گفت پایایی شاخص است دال بر این‌که تا چه حد در سنجه (وسیله اندازه‌گیری) دارای خطاهای تغییرپذیری است (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

در این تحقیق برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. این ضریب به‌عنوان یکی از ضرایب پایایی یا قابلیت اعتماد شناخته می‌شود و از عمومی-ترین ضرایبی است که توسط پژوهشگران علوم اجتماعی برای سنجش پایایی ابزارهای مختلف جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۵۷).

برای برآورد روایی تعداد ۳۰ پرسش‌نامه در مرحله پیش‌آزمون مورد استفاده قرار گرفت، مقدار آلفای کرونباخ برای متغیر وابسته و متغیرهای مستقل محاسبه گردیده که نشان‌دهنده‌ی همسازی درونی معرف‌هاست (۰/۶۲ شیوه فرزندپروری مقتدرانه، ۰/۷۷ شیوه فرزندپروری مستبدانه، ۰/۷۶ شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه، ۰/۶۳ پرخاشگری، ۰/۵۱ اضطراب، ۰/۵۳ ناسازگاری اجتماعی، ۰/۶۴ رفتارهای ضد اجتماعی و ۰/۶۰ اختلال کمبود توجه).

ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه می‌باشد و افراد نمونه خود بایستی آن را پاسخ می‌دادند.

متغیرهای شیوه فرزندپروری مقتدرانه، سهل‌گیرانه و مستبدانه با استفاده از پرسش‌نامه‌ی شیوه‌ی فرزندپروری بامریند (۱۹۷۲) سنجیده شد. برای اختلالات رفتاری نیز از پرسش‌نامه اختلالات رفتاری کودکان راتر (۱۹۶۷) استفاده شد. این پرسش‌نامه به ۵ زیر گروه طبقه‌بندی شده که هر گروه سؤالات خاصی را در بر می‌گیرد که شامل پرخاشگری، اضطراب، ناسازگاری اجتماعی، رفتارهای ضد اجتماعی و اختلال کمبود توجه می‌شود.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: ۱- نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ۱۸/۴ درصد والدین از شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه در سطح پایین، ۶۴/۸ درصد از والدین در سطح متوسط و ۱۶/۸ درصد به میزان بالایی از این شیوه فرزندپروری مقتدرانه استفاده می‌نمایند. ۲- داده‌ها نشان داد که ۱۶/۴ درصد والدین شیوه‌ی مستبدانه کمتری نسبت به فرزندان اعمال می‌نمایند، در حالی ۶۹/۶ درصد از والدین شیوه مستبدانه متوسطی داشته و ۱۴ درصد نیز رفتاری کاملاً مستبدانه نسبت به فرزندان خود داشتند. ۳- با توجه به یافته‌های پژوهشی اکثریت والدین ۶۵/۶ درصد شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه را در حد متوسطی تأیید و ۲۵/۲ درصد شیوه فرزندپروری را به میزان پایینی تأیید می‌کنند و ۹/۲ درصد نیز تمایل به شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه در حد بالایی هستند. ۴- یافته‌ها هم‌چنین بیانگر آن بود که ۷۰/۸ درصد دانش‌آموزان میزان پایینی از پرخاشگری دارند و تنها ۱/۶ درصد میزان بالایی از پرخاشگری دارند. ۵- ۸۸/۸ درصد پاسخگویان میزان اضطراب فرزندان خود را پایین و تنها ۰/۸ درصد دانش‌آموزان میزان اضطراب بالایی داشتند. ۶- یافته‌ها هم‌چنین بیانگر آن است که ۷۵/۶ درصد دانش‌آموزان میزان ناسازگاری اجتماعی پایین و ۲۲/۸ درصد میزان ناسازگاری متوسط و ۱/۶ درصد میزان ناسازگاری بالایی داشتند. ۷- اکثریت دانش‌آموزان، ۶۴/۴ درصد میزان رفتار ضد اجتماعی پایینی داشته و ۳۲/۸ درصد میزان رفتار ضد اجتماعی متوسطی و ۲/۸ درصد میزان رفتار ضد

اجتماعی بالایی داشتند. ۸- یافته‌ها بیانگر آن بود که میزان اختلال کمبود توجه ۵۹/۲ درصد دانش‌آموزان پایین، ۳۵/۶ درصد در حد متوسط و تنها ۵/۲ درصد در سطح بالایی قرار داشتند. ۹- در خصوص متغیر سن مادران، ۳۸ درصد بین ۳۳ تا ۴۲ سالگی، ۵۳/۲ درصد بین ۴۳ تا ۵۲ سالگی و بقیه بالاتر از ۵۳ سال قرار داشتند. و اکثریت متغیر سن پدران، ۷۰ درصد بین ۳۹ تا ۵۱ سالگی قرار داشت.

آزمون فرضیات: در این پژوهش جهت بررسی فرضیات از آزمون‌های پیرسون، اسپیرمن، تی تست و تحلیل واریانس بهره گرفته شد که در جداول زیر، نتایج حاصل از آن آمده است.

جدول (۱) خلاصه ضریب همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون (R)	سطح معناداری
شیوه فرزندپروری مقتدرانه و پرخاشگری	۰/۰۷	۰/۲۶۸
شیوه فرزندپروری مقتدرانه و اضطراب	۰/۲۷۴	۰/۰۰۰
شیوه فرزندپروری مقتدرانه و ناسازگاری اجتماعی	۰/۱۳۰	۰/۰۴۰
شیوه فرزندپروری مقتدرانه و رفتار ضداجتماعی	۰/۲۲۶	۰/۰۰۰
شیوه فرزندپروری مقتدرانه و اختلال کمبود توجه	۰/۰۴۸	۰/۴۵۳
شیوه فرزندپروری مستبدانه و پرخاشگری	- ۰/۰۸۶	۰/۱۷۷
شیوه فرزندپروری مستبدانه و اضطراب	- ۰/۲۵۶	۰/۰۰۰
شیوه فرزندپروری مستبدانه و ناسازگاری اجتماعی	۰/۲۰۸	۰/۰۱
شیوه فرزندپروری مستبدانه و رفتار ضد اجتماعی	- ۰/۳۳۷	۰/۰۰۰
شیوه فرزندپروری مستبدانه و اختلال کمبود توجه	۰/۱۱۶	۰/۶۸
شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و پرخاشگری	- ۰/۱۰۸	۰/۰۸۷
شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و اضطراب	- ۰/۱۱۹	۰/۶۰
شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و ناسازگاری اجتماعی	۰/۰۴۱	۰/۵۱۵
شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و رفتار ضد اجتماعی	- ۰/۱۶۶	۰/۰۰۹
شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و اختلال کمبود توجه	۰/۱۱۷	۰/۰۶۴
شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه با اختلالات رفتاری کلی	- ۰/۱۵۱	۰/۰۱۷
سن مادر و اختلال رفتاری کلی	- ۰/۲۲۶	۰/۰۰۰
سن پدر و اختلال رفتاری کلی	- ۰/۲۳۶	۰/۰۰۰
میزان درآمد و اختلال رفتاری کلی	- ۰/۱۰۲	۰/۱۰۹

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که بین متغیرهای شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه با اضطراب، ناسازگاری اجتماعی، رفتار ضد اجتماعی، بین شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه با اضطراب، ناسازگاری اجتماعی، رفتار ضد اجتماعی و بین شیوه‌ی فرزندپروری سهلگیرانه با اختلال کمبود توجه، رابطه معنی‌داری وجود دارد، زیرا سطح معنی‌داری (Sig) به دست آمده کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. اما بین متغیرهای شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه با پرخاشگری، اختلال کمبود توجه، بین شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه با پرخاشگری، اختلال کمبود توجه و بین شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه با پرخاشگری، اضطراب، ناسازگاری اجتماعی و رفتار ضد اجتماعی رابطه معنی‌داری مشاهده نشد، زیرا سطح معنی‌داری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است.

هم‌چنین جدول نشان می‌دهد که بین سن پدر و مادر و میزان اختلالات رفتاری نوجوانان به‌طور کلی، رابطه معنی‌داری وجود دارد، زیرا سطح معنی‌داری به‌دست آمده کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و بین میزان درآمد و میزان اختلالات رفتاری نوجوانان به‌طور کلی، رابطه معنی‌داری وجود ندارد، زیرا سطح معنی‌داری به‌دست آمده بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است.

جدول ۲) خلاصه ضریب همبستگی اسپیرمن بین متغیر پیش‌بین

تحصیلات پدر و مادر و متغیر ملاک اختلال کلی

متغیرها	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری
تحصیلات مادر و اختلال رفتاری کلی	- ۰/۲۰۳	۰/۰۰۱
تحصیلات پدر و اختلال رفتاری کلی	- ۰/۰۷۲	۰/۲۵۹

نتیجه جدول فوق نشان می‌دهد که بین تحصیلات مادر و میزان اختلالات رفتاری نوجوانان به‌طور کلی، رابطه معنی‌داری وجود دارد، زیرا سطح معنی‌داری به‌دست آمده کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. هم‌چنین بین تحصیلات پدر و میزان اختلالات رفتاری نوجوانان به‌طور کلی، رابطه معنی‌داری وجود ندارد، زیرا سطح معنی‌داری به‌دست آمده بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است. نتایج جداول دو بعدی در تجزیه و تحلیل آماری نشان داد هر چه تحصیلات مادران بالاتر رفته، میزان اختلالات رفتاری دانش‌آموزان کمتر گردیده است. اما بالاتر

رفتن تحصیلات پدران رابطه‌ای با میزان اختلالات رفتاری دانش‌آموزان نداشته است.

جدول ۳) خلاصه آزمون **T-Test** بین متغیر جنسیت و متغیر ملاک اختلال رفتاری به صورت کلی

متغیرها	T	Df	Sig
جنسیت و اختلالات رفتاری کلی	۲/۴۴۷	۲۴۵/۰۰۰۸	۰/۰۱۵

نتیجه جدول فوق نشان می‌دهد که بین جنسیت دانش‌آموز و میزان اختلالات رفتاری آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد، زیرا سطح معنی‌داری به‌دست آمده کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. هم‌چنین نتیجه تحلیل واریانس بین متغیر مستقل شغل پدر ($Sig= ۰/۸۴۶$) و شغل مادر ($Sig= ۰/۱۸۷$) نشان می‌دهد که بین شغل پدر و مادر دانش‌آموز و میزان اختلالات رفتاری آنان رابطه معنی‌داری وجود ندارد، زیرا سطح معنی‌داری به‌دست آمده در هر دو بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است.

تحلیل رگرسیون: در پژوهش حاضر از آماره رگرسیون چندمتغیره به شیوه همزمان استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون برای متغیر ملاک اضطراب نشان داد که به احتمال ۱۲ درصد می‌توان پیش‌بینی نمود که روش‌های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه اختلال رفتاری اضطراب را پیش‌بینی می‌کنند و در این میان شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه، قوی‌ترین پیش‌بینی کننده بود ($Beta = ۰/۲۴۲$) و متغیر شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه در مرحله‌ی بعدی قرار می‌گیرد.

جدول ۴) متغیرهای پیش‌بین درون معادله رگرسیونی برای پیش‌بینی متغیر اضطراب

متغیر	Beta	T	Sig
مقتدرانه	۰/۲۴۲	۴/۰۱۲	۰/۰۰۰
مستبدانه	- ۰/۲۲۱	- ۰/۲۲۱	۰/۰۰۰

$$R = ۰/۱۲۳$$

$$R^2 = ۰/۱۲۳$$

نتایج تحلیل رگرسیون برای متغیر ملاک ناسازگاری اجتماعی نشان داد که به احتمال ۰/۰۵ درصد می‌توان پیش‌بینی نمود که روش‌های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه

اختلال رفتاری ناسازگاری اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند و در این میان شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه، قوی‌ترین پیش‌بینی کننده بود ($Beta = ۰/۱۹۳$) و متغیر شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه در مرحله‌ی بعدی قرار می‌گیرد.

جدول ۵) متغیرهای پیش‌بین درون معادله رگرسیونی برای پیش‌بینی متغیر ناسازگاری اجتماعی

متغیر	Beta	T	Sig
مقتدرانه	۰/۱۰۲	۱/۶۳۰	۰/۱۰۴
مستبدانه	- ۰/۱۹۳	- ۳/۰۸۸	۰/۰۲

$$R = ۰/۱۲۳$$

$$R^2 = ۰/۰۵۳$$

هم‌چنین نتایج تحلیل رگرسیون برای متغیر ملاک رفتار ضد اجتماعی نشان داد که به احتمال ۱۶ درصد می‌توان پیش‌بینی نمود که روش‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه اختلال رفتاری رفتار ضد اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند و در این میان شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه، قوی‌ترین پیش‌بینی کننده بود ($Beta = ۰/۲۶۰$) و متغیر شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه و سهل‌گیرانه به ترتیب در مراحل بعدی قرار می‌گیرند.

جدول ۶) متغیرهای پیش‌بین درون معادله رگرسیونی برای پیش‌بینی متغیر رفتار ضد اجتماعی

متغیر	Beta	T	Sig
مقتدرانه	۰/۲۳۶	۳/۷۸۸	۰/۰۰۰
مستبدانه	- ۰/۲۶۰	- ۰/۲۶۰	۰/۰۰۰
سهل‌گیرانه	- ۰/۱۶۷	- ۲/۶۱۴	۰/۰۱۰

$$R = ۰/۴۱۱$$

$$R^2 = ۰/۱۶۹$$

و نتایج تحلیل رگرسیون برای متغیر ملاک اختلال رفتاری به‌طور کلی نشان داد که به احتمال ۱۶ درصد می‌توان پیش‌بینی نمود که روش‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه، سن مادر، سن پدر، تحصیلات مادر و جنسیت دانش‌آموز به‌طور کلی اختلال رفتاری را پیش‌بینی می‌کنند و در این میان شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه، قوی‌ترین پیش‌بینی کننده بود ($Beta = ۰/۱۷۳$) و متغیرهای شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه، سن پدر، شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه، تحصیلات مادر، جنسیت دانش‌آموز

و سن مادر به ترتیب در مراحل بعدی قرار می‌گیرند.

جدول ۷) متغیرهای پیش‌بین درون معادله رگرسیونی برای پیش‌بینی متغیر اختلال رفتاری به طور کلی

متغیر	Beta	T	Sig
مقتدرانه	۰/۱۷۳	۲/۵۹۱	۰/۰۱۰
مستبدانه	- ۰/۱۵۶	- ۲/۴۲۰	۰/۰۱۶
سهل‌گیرانه	- ۰/۱۲۱	- ۱/۷۴۴	۰/۰۸۳
سن مادر	- ۰/۰۳۷	- ۰/۳۳۳	۰/۷۴۰
سن پدر	- ۰/۱۴۲	- ۱/۲۹۰	۰/۱۹۸
تحصیلات مادر	- ۰/۰۹۲	- ۱/۴۳۱	۰/۱۵۴
جنسیت دانش‌آموز	- ۰/۰۵۷	- ۰/۸۹۹	۰/۳۷۰

$$R = ۰/۴۰۵$$

$$R^2 = ۰/۱۶۴$$

بحث و نتیجه

در بین عوامل مختلف شکل‌گیری شخصیت، شیوه‌های فرزندپروری، از عوامل مهم و بنیادی محسوب می‌شوند. در پژوهش حاضر میزان تمایل افراد به شیوه‌های فرزندپروری در حد بالا، متوسط و پایین اندازه‌گیری شد و نتایج نشان داد که تمایل والدین به این شیوه‌های فرزندپروری اعم از مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه در حد متوسطی می‌باشد (مقتدرانه ۰/۶۴/۵، مستبدانه ۰/۶۹/۶ و سهل‌گیرانه ۰/۶۵/۶). هم‌چنین نتایج حاکی از آن بود که میزان اختلالات رفتاری دانش‌آموزان از نظر پرخاشگری ۰/۷۵/۶، اضطراب ۰/۸۸/۸، ناسازگاری اجتماعی ۰/۷۵/۶، رفتار ضد اجتماعی ۰/۶۴/۴ و اختلال کمبود توجه ۰/۵۹/۲ در سطح پایین بودند.

در این پژوهش جهت بررسی فرضیات از آزمون‌های پیرسون، اسپیرمن، تی تست و تحلیل واریانس بهره گرفته شد که در نتیجه‌ی آزمون فرضیات مشخص شد که بین شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه و اختلال اضطراب، ناسازگاری اجتماعی و رفتار ضد اجتماعی و بین شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و رفتار ضد اجتماعی، رابطه وجود دارد. هم‌چنین بین سن پدر، سن مادر، تحصیلات مادر و جنسیت دانش‌آموز با میزان اختلالات رفتاری به‌طور کلی، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

هم‌چنین در تحلیل رگرسیون نیز ثابت شد که ۱۲ درصد متغیر اضطراب توسط شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه، ۰/۰۵ درصد متغیر ناسازگاری اجتماعی توسط شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه، ۱۶ درصد متغیر رفتار ضد اجتماعی توسط شیوه‌های مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه و ۱۶ درصد متغیر رفتار ضد اجتماعی توسط شیوه‌های مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌گیرانه، سن مادر، سن پدر، تحصیلات مادر و جنسیت دانش‌آموز قابل پیش‌بینی است.

این در حالی است که برخی پژوهش‌ها در سایر کشورها نیز نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری والدین بر طریقه شکل‌گیری طرحواره‌ها اثر دارد (Wright & et al., 2009)؛ در برخی پژوهش‌ها نیز سبک‌های فرزندپروری والدین در کاهش رفتارهای پر خطر نوجوانان مؤثر است و والدینی که وقت بیشتری را صرف فرزندپروری مقتدرانه با فرزندشان می‌کنند، پرخاشگری، خشونت و رفتارهای پر خطر و نامناسب در خانواده‌های آن‌ها کمتر به چشم می‌خورد (Argys & Ress, 2006) اما نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که شیوه فرزندپروری مقتدرانه والدین با میزان پرخاشگری دانش‌آموزان رابطه دارد.

از سوی دیگر، نتایج حاکی از آن است که بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و پرخاشگری رابطه وجود ندارد، که این نتایج همسو با نتایج پژوهش آهنگرانزایی، شریفی درآمدی و فرج‌اده (۱۳۹۰) است که در شهرستان شبستر انجام شده و به این نتیجه رسیده که بین سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و پرخاشگری کلامی، خصومت، خشم و پرخاشگری فیزیکی رابطه وجود ندارد.

هم‌چنین نتایج پژوهش خانجانی و محمودزاده (۱۳۹۲) نشان داد مادران شاغل و غیر شاغل از نظر مشکلات رفتاری، تفاوت معنی‌داری با هم نداشتند. آجیل‌چی و ذوقی (۱۳۸۸) نشان دادند که تفاوت معنی‌داری بین شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مقتدرانه بین مادران خانه‌دار و مادران شاغل در ناجا وجود دارد؛ بدین ترتیب که مادران خانه‌دار بیشتر از شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند، در حالی که مادران شاغل در ناجا بیشتر از شیوه فرزندپروری مقتدرانه پیروی می‌کنند. نتایج تحقیق حاضر نیز نشان داد که شغل مادر تأثیری بر اختلالات رفتاری ندارد.

والدین به مثابه عوامل تأثیرگذار بر فرزندان هستند و بین شیوه‌های فرزندپروری آنان با اختلالات رفتاری فرزندان (بین شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه با اختلال اضطراب، ناسازگاری اجتماعی و رفتار ضد اجتماعی، بین شیوه فرزندپروری مستبدانه با اختلال اضطراب، ناسازگاری اجتماعی و رفتار ضد اجتماعی و بین شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و رفتار ضد اجتماعی)، رابطه وجود دارد. با در نظر گرفتن محدودیت‌های تحقیق (عدم همکاری بعضی از والدین، امتناع از تکمیل پرسش‌نامه و در دسترس نبودن تعداد دانش آموزان دارای اختلال رفتاری در مدارس) پیشنهاد می‌شود که آموزش شیوه‌های فرزندپروری صحیح به والدین، می‌تواند از بروز اختلالات رفتاری در دانش‌آموزان پیشگیری نماید و به سلامت دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها کمک کند.

منابع

- آجیل چی، بیتا؛ ذوقی، لیلا (۱۳۸۸). "بررسی مقایسه‌ای شیوه‌های فرزندپروری در مادران خانه‌دار با مادران شاغل در دانشکده علوم انتظامی ناجا". پلیس زن، سال دوم، ش ۹-۱۰ (بهار و تابستان): ۷۸-۹۴.
- آهنگرانزایی، احمد؛ شریفی درآمدی، پرویز؛ فرج‌زاده، رباب (۱۳۹۰). "رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر". پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، سال اول، ش ۱ (پاییز و زمستان): ۱-۸.
- بی‌نا (۱۳۹۱). "بررسی رابطه فرزندپروری با افکار خودکشی خانواده‌ها در دزفول سال ۱۳۹۱". [پیوسته] قابل دسترس در:
<http://www.projectpay.ir/139308305360ppay>. [۱۳۹۳/۹/۱۰]
- حنیفی واحد، ملیسا؛ طالع پسند، سیاوش (۱۳۹۲). "شیوع اختلالات رفتاری در دانش‌آموزان ابتدایی استان البرز در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹". ماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، سال هفدهم، ش ۱۲ (اسفند): ۸۰۴-۸۰۷.
- خانجانی، زینب؛ محمودزاده، رقیه (۱۳۹۲). "مقایسه شیوه‌های فرزندپروری و

- اختلالات رفتاری کودکان مادران شاغل و غیرشاغل". *فصلنامه علمی- پژوهشی زن و فرهنگ*، سال چهارم، ش ۱۶ (تابستان): ۳۷-۵۲.
- خزاعی، طیبه؛ خزاعی، محمد مهدی؛ خزاعی، معصومه (۱۳۸۴). "شیوع مشکلات رفتاری در کودکان شهر بیرجند". *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند*، دوره ۱۲، ش ۱ و ۲ (تابستان): ۷۹-۸۶.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۸). *روشهای تحقیق در علوم اجتماعی*، ج ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شهامت، فاطمه؛ ثابتی، علیرضا؛ رضوانی، سمانه (۱۳۸۹). "بررسی رابطه‌ی سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های ناسازگار اولیه". *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، دوره ۱۱، ش ۲ (زمستان و پاییز): ۲۳۹-۲۵۴.
- صادق‌خانی، اسدالله؛ علی‌اکبری دهکردی، مهناز؛ کاکو جویباری، علی اصغر (۱۳۹۱). "مقایسه‌ی شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان پسر ۷ تا ۹ سال دوره‌ی ابتدایی با اختلال لجبازی- نافرمانی و عادی در شهرستان ایلام". *فصلنامه افراد استثنایی*، سال سوم، ش ۶ (تابستان): ۹۵-۱۱۴.
- طالب، مهدی (۱۳۶۹). *چگونگی مطالعات اجتماعی*. تهران: سپهر.
- طالقانی، محمود (۱۳۸۰). *روش تحقیق نظری*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- قاسمی، وحید (۱۳۸۴). "ضریب آلفای کرونباخ و ویژگیهای آن با تأکید بر کاربرد در پژوهشهای اجتماعی". *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*، سال ششم، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۱۵۵-۱۷۴.
- کلانتری، مهرداد؛ مولوی، حسین؛ توسلی، میترا (۱۳۸۴). "رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزندپروری و اختلالات رفتاری در کودکان پیش دبستانی شهر اصفهان". *دانش و پژوهش در روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)*، سال هفتم، ش ۲۴ (تابستان): ۵۹-۶۸.
- محسنی تیریزی، علیرضا (۱۳۸۳). *وندالیسم*. بی جا: آن.
- مسعودی، محمدحسین (۱۳۹۰). "بررسی رابطه‌ی سطح دینداری والدین و

اختلالات رفتاری کودکان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

- Argys, I. M.; Ress, D.I. (2006) "Birthorder and risky adolescent behavior". *Economic inquiry*: 215-233.

- Lamborn, S & et al (1991) "Patterns of competence and adjustment from authoritative authoritarian, indulgent and neglectful families, *child Development* 62, 1049-1065.

- Wright & et al. (2009). "Childhood emotional maltreatment and later psychological distress among college student: The mediating role of maladaptive schemas". *Child abuse & neglect: The international journal*, Vol. 1, N. 2(winter): 59-68